

جایگاه وقف نزد زنان در دوره صفوی (۱۳۵-۹۰۷ق)

*مهرداد نوری مجیری

چکیده

یکی از نهادهای اجتماعی و مدنی که زنان نقش بسیار مهم در آن داشته و دارند، عرصه وقف است. وقف در دوره‌های مختلف تاریخ ایران با تغییرات بسیار همراه بوده است که این امر حاکی از اوضاع نابسامان اجتماعی و فقدان ثبات و امنیت اقتصادی بود. از این رو این مساله دولتمردان را بر آن داشت تا اموال خود را از گزند حوادث وقف نمایند، چرا که بر اساس سنت موجود، کمتر کسی متعرض موقوفه‌ها می‌شد. یکی از این دوره‌ها که در آن وقف گسترش بسیار یافت دوره صفوی است. در این دوره مساجد، پل‌ها و کاروانسراهای بسیاری ساخته و برای هریک موقوفات بسیاری قرار داده شد. گویا رقابتی معنوی برای وقف اموال آغاز شده بود که بانوان نیز در این بین از تلاش غافل نبودند. به همین جهت، برای بررسی مسئله مورد نظر از روش تحقیق کیفی و تحلیلی با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شد و این نتیجه به دست آمد که فراوانی وقف‌نامه‌های به جا مانده از بانوان علاوه بر آن که توجه آنان را به مشارکت در امور خیریه نشان می‌دهد، گویای آن است که از لحاظ اقتصادی دارای آزادی عمل نیز بوده‌اند.

واژگان کلیدی: عصر صفوی، وقف، خیریه، زنان، اقتصاد

*دکتر، تاریخ، پژوهشگر، تهران، ایران، ایمیل، m.noorimojiri@yahoo.com

از گذشته‌های دور انسان به دنبال جاودانگی، اقدام به آفرینش مصنوعاتی همچون بناهای هنری، نگارش کتب، اختراعات و اکتشافات نموده است. یکی از راه‌هایی که در نزد ملل و اقوام مختلف به دلایل گوناگون اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی تاسیس و رو به رشد نهاد، نهاد وقف بوده است. سنت حسنه وقف یکی از مصادیق بارز رفتار مدنی در مشارکت جویی مالی و اجتماعی و معنوی مردم است و از آن‌جا که مصداق صدقه و دربردارنده ویژگی دوام و جاودانگی است در احادیث و کتب فقهی گاهی از آن به نام «صدقه جاریه» یاد شده است.

وقف مصدر ثلاثی مجرد از باب ضرب، یضرب، در لغت به معنای حبس، ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است. (عمید، ۱۳۶۲: ۱۱۰۰) «املاک و اموالی که در جهت طلاب علوم، بینوایان بقاع متبرکه و غیره تخصیص دهند» (راوندی، ۱۳۵۴: ۳۸۶/۴). محقق حلی صاحب کتاب معروف شرایع الاسلام در تعریف وقف می‌گوید: «وقف عقدی است که ثمره آن حبس اصل و رها کردن منافع است» (۱۴۰۸ق: ۱/ ۳۴۳). مرحوم شیخ طوسی نیز در مبسوط می‌گوید: «تسبیل در راه خدا قرار دادن و دلیلشان این سخن نبی اکرم (ص) است که فرموده: «حبس الأصل و تسبیل المنفعه» یعنی اصل را حبس کن و منافعش را در راه خدا آزاد نما» (۱۳۸۷، ۳/ ۲۸۶).

این که سنت وقف از چه زمانی و چگونه به وجود آمد اختلاف نظر وجود دارد. قدر متقن این است که در ادیان الهی، مسأله وقف و صدقه جاریه جایگاه خاصی داشته و در دوران حکومت‌های ایران قبل از ظهور اسلام هم به مسأله وقف و نذر توجه می‌شد و به معابد و آتشکده‌ها از جمله آذرگشسب به‌عنوان نیاز و به‌صورت اموال و اشیاء هدیه می‌شده است. (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۳۰) ایرانیان از زمان‌های باستان به پیروی از آیین و کیش خود به کار نیک و دستگیری از بینوایان توجه داشتند و دارای نذورات و موقوفاتی برای نگهداری آتشکده‌های خود بوده‌اند. (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰: ۲۵) در اسلام، پیامبر اکرم (ص) نظام وقف را در شهر مدینه برقرار کرد. پس از این واقعه به پیروی از سنتی که از ایشان باقی مانده بود، وقف نقش بسزایی در عمران و آبادی شهرهای اسلامی ایفا کرد. (عبدالستار عثمانی، ۱۳۷۶: ۲۸) اما به نظر می‌رسد که فکر ایجاد زمین‌های وقفی دراصل از این‌جا پیدا شده باشد که پس از غلبه تازیان، زمین به مسلمانان فاتح تعلق گرفت. آنان زمین‌های خود را یا به دلخواه یا در برابر گرفتن پاداش تسلیم کردند. با این همه از آن پس به‌صورت موقوفه درآمد و سپس روستاییان در برابر پرداخت مال التجاره در املاک مزبور دارای حق انتفاع و به اصطلاح منفعت شدند. اما به تدریج در ازمنه متأخر کلمه وقف بیشتر در مورد زمین‌هایی به‌کار برده شده که مالکیت آنها به نفع جامعه یا یکی از امور خیریه حبس شده باشد. (لمبتون، ۱۳۶۲: ۸۱) ماوردی در این باره می‌نویسد: «این نوع از بخشش مال از ابتدای پیدایش اسلام در شهر مدینه معمول بوده و قبل از این که فقهای اسلام در قرن دوم هجری برای آن قواعد معینی را بنگارند و به شکل موضوعه درآورند بین مسلمانان صدر اسلام مرسوم بوده است ولی در ابتدا از دیگر صدقات متمایز نبوده است» (۱۳۶۵: ۱۹۸).

نظریه اصیل رسمی چه در زمان حاکمان سنی تا سده دهم و چه در دوران فرمانروایی شیعیان از سده دهم به بعد به صورت یک اصل باقی مانده، اما در عمل، مخصوصاً در مورد زمینی که باید وقف شود جرح و تعدیل‌ها و اظهارنظرهایی وجود داشته است. غالباً تصریح می‌شده ملکی که وقف می‌شود باید در تصرف کامل شرعی مالک

باشد، اما گاهی، مخصوصا در اسناد، ذکر می‌شد که این ملک را واقف شرعا خریده است. هنوز جای تردید است که املاکی را که حاکمان وقف می‌کردند در اصل از املاک خالصه بوده یا شرعا آن را خریده و غصب نکرده بودند. ظاهرا هیچ‌گونه محدودیتی برای زمینی که وقف می‌شد وجود نداشت. علاوه بر زمین، آسیاب، حق آبه، مستغلات، بازار و خانه نیز به صورت وقف درمی‌آمد و به‌ندرت حق برداشت منافع نیز وقف می‌شد. (لمبتون، ۱۹۸۸: ۱۴۸).

مصارف برخی از این اوقاف «برای ارتزاق رهبران دینی و مبلغین مذهبی بود». (ماوردی، ۱۳۶۵: ۱۹۸) و یک دسته از این موقوفات مخصوص کسانی بود که استطاعت مالی برای رفتن به حج نداشتند و مخارج مسافرت آنها از محل این‌گونه موقوفات پرداخته می‌شد. یک دسته دیگر موقوفاتی بودند که از محل درآمد آن برای دختران فقیر جهیزیه تهیه می‌شد؛ دسته دیگر وقف ابناء السبیل بود که به اندازه کفاف خوراک و پوشاک و خرجی راه به آنان پرداخته می‌شد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۵۸) بخش اعظم اوقاف در جهت بهره‌وری مسجدها، مدرسه‌ها و خانقاه‌ها بود و درآمد آن به عالمان و اطعام بینوایان در جشن‌های مذهبی و برگزاری مجالس دینی و روضه‌خوانی و غیره اختصاص داشت. در مواردی برای هزینه نگهداری بناهای خیریه مانند بیمارستان‌ها، کاروانسراها، آب‌انبارها و آبخوری‌ها ملکی وقف می‌شد. نخستین خواسته درآمد وقف توسعه و نگهداری خود ملک بود و پس از آن، در صورت نبودن استثناهایی برابر فرمانی خاص، پرداخت حقوق دیوانی و سپس پرداخت حقوق کارکنانی بود که در نهاد وقف کار می‌کردند، از جمله متولّی که معمولا یک دهم درآمد وقف به او اختصاص داشت و در مواردی تصریح می‌شد که مبلغی کمتر یا بیشتر از آن به او پرداخت شود. املاک وقفی را اغلب به اجاره می‌دادند؛ در بعضی وقفنامه‌ها این عبارت درج می‌شد که مدّت اجاره نباید از سه سال بیشتر باشد. (لمبتون، ۱۹۶۹: ۲۳۴)

در بین حکومت‌های مختلف اسلامی، سلسله صفوی را باید نقطه عطفی در فرهنگ وقف در ایران و اوج اعتلای این سنت حسنه دانست. مهم‌ترین دلیل رونق و شکوفایی سنت وقف در این دوره، علاقه زمامداران این سلسله به وقف اموال در جهت رونق و آبادانی بقاع متبرکه شیعه و ماهیت دینی حکومت ایشان بوده است. صفویان سلسله‌ای از پادشاهان بودند که از حدود (۹۰۷ تا ۱۱۳۵ ق) رسماً و پس از تسلط افغان‌ها به ایران تا سال ۱۱۴۸ ق، به طور اسمی بر ایران حکومت کردند. آنها توانستند یک حکومت شیعی در ایران ایجاد نمایند و به تدریج دولت ملی را وحدت و استقلال ببخشند به‌همین دلیل عصر صفوی از اهمیت بالایی برخوردار است. وقف از نظر اجتماعی از مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه است و در عصر صفوی بخش بزرگی از املاک و مزارع تمام ایران جز موقوفات بود. (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۷۳) «شاهان صفوی که خود از پیشگامان وقف در ایران بوده‌اند، آن‌چنان فرهنگ وقف را در میان مردم رایج ساختند که دیگر وقف مختص مالکان بزرگ و ثروتمندان نبود بلکه بیشتر مردم نیز بنابه وضع مال خود، در این امر خیر شرکت می‌کردند». (راوندی، ۱۳۵۴: ۷۷۴ / ۴) به قدرت رسیدن صفویان و گسترش شیعه‌گری در برابر سنی‌گری به تدریج بر نقش‌های اجتماعی زنان این عصر نیز اثر گذاشت و این اثرات گاه باعث بزرگ شدن شخصیت و پررنگ شدن فعالیت مذهبی زنان گردید. در تاریخ شیعه و مرزهای فرهنگی جهان اسلام یکی از عرصه‌هایی که بانوان در آن نقش بسزایی ایفا کردند عرصه وقف بوده است. در این دوره وقف

بنابر عقاید مذهبی و اجتماعی گسترش فراوانی یافت و بانوان نام‌آور در این عرصه توانستند از این فرهنگ پسندیده نام خود را در تاریخ برجای گذارند. تا جایی که شخص شاه بر آن می‌شد تا افراد مشخصی را برای رسیدگی به امور وقف برگزیند و این امر در حیطه وظایف صدارت محسوب گردید. از این تحول بزرگ معنوی مدارس و نهادهای آموزشی به خوبی بهره‌مند شدند به طوری که در این دوره با توجه به ایجاد تأسیسات متعدد آموزشی و عبادی، اموال و امکانات بی‌شمار تحت عنوان وقف پشتوانه مادی این مؤسسات منظور گردید. به گزارش آثار و اسناد معتبری چون عالم‌آرای عباسی، قصص‌الخاقانی و خلد برین و سفرنامه‌های موجود، این موقوفات در دوره صفوی ارزش مادی بسیاری داشته‌اند و عواید آن مبالغ عظیمی را شامل می‌شده است. این موقوفات شامل اراضی مزروعی، دکان‌ها، تکایا، مساجد، منازل مسکونی و سایر مراکز عام‌المنفعه می‌شده است که هر یک دارای مصارف شخصی بوده و عواید آن صرف اجرای نیات واقفان می‌شده است. بخش عظیمی از این موقوفات متعلق به بانوان نیکوکاری بود که در دوره‌های مختلف صفوی با انگیزه تقرب به درگاه خداوند بخشی از اموال خود را در امور خیر وقف می‌کردند. سکوت منابع تاریخی در مورد زنان این دوره ما را از اطلاعات دقیق درباره اوضاع و احوال زنان در جامعه آن روز محروم می‌سازد و ما از میزان مشارکت زنان در امور جامعه تقریباً بی‌اطلاعم. گاه دیدن نام بانویی حک شده بر کتیبه‌ای در یک مسجد یا مدرسه حضور زنان را در عرصه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی یادآور می‌شود. متأسفانه به طور کلی در ارتباط وقف توسط زنان پژوهش‌های چندانی انجام نشده است. خسروی (۱۳۷۴) در مقاله تحت عنوان «موقوفات زنان در ایران»، به سنت حسنه وقف در میان بانوان نیکوکار ایرانی اشاره دارد و با توجه به آمار موجود، ضمن بررسی حس نوع دوستی، عاقبت‌اندیشی و استقلال مالی بانوان ایرانی، مطالعه تطبیقی از استقلال مالی زن مسلمان ایرانی با زنان اروپایی را تا اوایل قرن بیستم به دست می‌دهد. احمدی (۱۳۷۶) در مقاله «وقف‌نامه‌های بانوان در دوره صفوی» ضمن بررسی چند موقوفه مهم متعلق به زنان در اصفهان بیان می‌دارد که نزدیک به یک ششم از اسناد وقف‌نامه‌های موجود در اداره اوقاف اصفهان، به بانوان نیکوکار و خیر تعلق دارد. احمدی (۱۳۸۸) در پژوهش «نجات فرزند انگیزه‌ایی برای وقف»، تحلیلی بر وقف‌نامه مادر شاه سلیمان، به این موضوع اشاره دارد که این بانوی درباری برای نجات فرزند بیمار خود و ادای نذر، تمام اموال وقفی خود را بر عتبات عالیات وقف نموده است. اسدپور (۱۳۸۲) در مقاله «بانوان بوشهری و سنت نبوی وقف»، به معرفی قدیمی‌ترین و جدیدترین وقف‌نامه‌های استان مزبور که مربوط به بانوان است، اشاره دارد. در نهایت کتابی نیز تحت عنوان «ضعیفه» تالیف بنفشه حجازی به چاپ رسیده است که در آن به بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی پرداخته شده است.

بدین‌گونه، باتوجه به مطالب ارائه شده، نگارنده در پی بررسی این فرضیه است که: تشکیل حکومت شیعی و رونق اقتصادی در دوره صفوی موجب پررنگ شدن نقش زنان در اقتصاد و پیرو آن حضور پررنگ آنها در سنت حسنه وقف بوده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش‌شناسی در رده تحقیقات توصیفی-تحلیلی با رویکرد تاریخی است که بر مبنای اسناد موجود در کتب و مقالات در دسترس، در زمینه وقف و اسناد وقفی اعم از وقف‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، حبس‌نامه-ها، استشهادیه و ... تهیه شده است و بخش اعظم اطلاعات آن، مستخرج از اسناد وقفی شهر اصفهان است که توسط نگارنده مورد بازخوانی قرار گرفته‌اند. برای بررسی فرضیه مطرح شده ابتدا وضعیت اقتصادی دوره صفویه به اختصار ارائه و سپس به زنان واقف دوره مزبور اشاره می‌شود.

وضعیت اقتصادی زنان در دوره صفوی

بی‌تردید اساس دولت صفوی در اتحاد دین و دولت بود و انسجام این دو نقش بسیار مهمی در استحکام و وفاداری ملی سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کرد. (ریاض‌الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۹) عصر صفوی علاوه بر این که عصر رونق اقتصاد و بازرگانی ایران بود، توانست پس از سال‌ها آشوب و نابسامانی، آرامش و آسایش اجتماعی را برای مردم به ارمغان آورد و همین مهم در بهبود توانایی اقتصادی و مالی مردم تأثیر داشت و به دنبال آن مردم به ویژه اقشار پر درآمد جامعه توانستند نقش پررنگ و جدی‌تری را در امور خیریه ایفا نمایند. (قدیانی، ۱۳۷۶: ۵۰۶) دوره صفوی عصر رونق موقوفات در اشکال گوناگون است و منابع سرشار از این موقوفات در اقتصاد این دوره نقش داشت و موقوفات مختلف در شهرهای مهم عصر صفوی مانند اردبیل، اصفهان و قم علاوه بر این که در رونق ساختار آموزشی علمی و دینی تأثیرگذار بود درآمد حاصل از آن بیشترین تأثیر را در بخش اقتصادی داخلی ایفا می‌کرد. (صفت‌گل، ۱۳۸۱: ۷) مورخان، اوج قدرت اقتصادی صفویان را دوران شاه‌عباس اول می‌دانند. (سیوری، ۱۳۷۴: ۷۴) او در سراسر دوران حکومت خود جویای افتخارات گوناگون و نیک‌نامی بود. به همین دلیل با به‌کارگیری سیاست‌های خاص تمام تلاش خود را به کار برد تا از ایران کشوری ثروتمند و با شکوه بسازد (فلسفی، ۱۳۵۲: ۵/۲۲۷)

لمبتون در کتاب مالک و زارع در ایران پایه‌های اقتصاد داخلی عصر صفوی را بر دو رکن گله‌داری و کشاورزی استوار می‌داند و معتقد است روش زندگی این دو عنصر اصلی اقتصاد در اوایل حکومت عصر صفوی کاملاً متفاوت بود. گله‌داران از ترکمن‌ها بودند و به صورت بیلاق و قشلاق به دور از مردم زندگی می‌کردند و به طوایفی تقسیم می‌شدند و از رؤسای خود فرمان می‌بردند، ولی کشاورزان و دهقانان ایرانی بوده و در روستاها ساکن بودند. (فوران، ۱۳۸۶: ۲۱۴) در خانواده روستایی، زن از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود که وی را موظف به نگهداری و تربیت فرزندان و رسیدگی به امور دامی و خانوادگی می‌کرد. در دشت‌ها برخلاف شهرها هیچ‌گونه اندرونی و بیرونی برای زنان وجود نداشت. در خانواده شهری زنان به عنوان عضوی مهم انجام وظیفه می‌کردند ولی مجبور بودند وظایفشان را در محدوده چهاردیواری خانه و اندرونی انجام دهند و اجازه تماس با بیرون از خانه را نداشته و به جز در موارد استثنایی اجازه نداشتند از خانه خود خارج شوند. به نوشته ابوالقاسم طاهری زندگی زنان شهری معمولاً به خوردن، خوابیدن و بچه زائیدن محدود می‌شد و زنان پادشاه نیز از این قاعده مستثنی نبودند (۱۳۴۹: ۳۴۱) زنان شهری به خصوص زنان اشراف بیشتر وقت خود را در خانه یا حرمسرا بسر می‌بردند و همیشه از چشم نامحرم دور بودند. (فلسفی، ۱۳۵۲: ۲/۲۳۶) روستایی در ارتباط با طبیعت بود و تسلط بر طبیعت برای روستایی

امری حیاتی و ضروری بود و ساخت خانواده و روابط خانوادگی تحت تأثیر همین روابط بود. رشد اقتصادی ایران موجب بهبود نسبی اوضاع دهقانان و روستائیان شد (فوران، ۱۳۸۶: ۱۱۷) و شاید به همین دلیل شاردن سیاح فرانسوی در مقایسه میان اوضاع و احوال دهقانان ایرانی با اوضاع و احوال دهقانان اروپایی نتیجه‌گیری می‌کنند که دهقانان ایرانی حال و روز بهتری داشته‌اند. (۱۳۴۵، ۸/ ۳۳۵)

رونق و اقتدار اقتصادی صفویه با مرگ شاه‌عباس اول به تدریج به ضعف و انحطاط انجامید و با مرگ او جانشینانش نتوانستند به خوبی و توانایی او اقتصاد و تجارت داخلی را هدایت کنند و با به سلطنت رسیدن شاه- صفی کنترل شاه بر تجارت ایران از میان رفت. (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۹۶) با نزدیک شدن به اواخر حکومت صفویان نظام اقتصادی ایران با ضعف روبه‌رو شد. علاوه بر آن سقوط دولت صفوی با حملات افغان‌ها ایران را دچار ضعف اقتصادی کرد و دیگر اقتصاد ایران هرگز نتوانست ابهت اقتصادی سده هفدهم را کسب نماید. پایان این دوره به‌خصوص در نبردها میان مدعیان حکومتی، توان اقتصادی ایران را به‌طور محسوسی کاست. (فوران، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

زنان واقف عصر صفوی

اکثر سفرنامه‌نویسان عصر صفوی در گزارش‌های خود به محدودیت‌ها رنج‌ها و مشکلات اجتماعی زنان اشاره کرده‌اند ولی با این وجود هرگز نتوانسته‌اند منکر فعالیت‌های علمی و فرهنگی یا آبادانی بعضی از آنها باشند. علاوه بر آن بارها به نقش زنان در امور خیریه اشاره کرده‌اند، زنان متمول جامعه عصر صفوی نقش مهمی در سوق دادن فعالیت‌های خیریه شهری از طریق اوقاف برعهده داشته‌اند. (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴: ۹۳) از توجه این زنان به امور خیریه و آبادانی، اکثراً در دربار برای ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه سود می‌جستند. به علاوه برخی در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش نیز تلاش می‌کردند. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۰۶)

گزارش‌های زیادی مبنی بر وضعیت خوب مالی و کسب درآمدهای بسیار زنان شده است از صاحب‌ده بودن تا مالک باغات یا عایدات یک منطقه که جزء تیول آنها بود. به گزارش دلاواله در راه‌کردن مردی به ما گفت که صاحب این ده و اطراف آن زنی است به نام خانم سلطان که خود در این جا سکونت دارد. (۱۳۸۰: ۱۲) شاردن گزارش می‌دهد: آغابگم جلایر شاعر، گله‌گوسفند و شتر داشت و باغات و دکانین بسیار و هر سال فضلا و شعرا را از غله خود وظیفه می‌داد. عایدات جلفا ویژه مادران شاه بود و بدون ایشان نمی‌توان یک شاهی آن را دست زد (۱۳۴۵: ۵۰) او از دهی به نام قاسم‌آباد در راه قم نام می‌برد که تیول مادر شاه بود. (همان: ۳/ ۸۱) طبیعی است که در نظام طبقه‌بندی جامعه صفوی اکثر زنان درباری به سنت وقف جهت ثواب اخروی روی می‌آوردند. چون این زنان در مقایسه با اقشار عادی جامعه از نظر مالی وابسته به دربار و از وضع مالی خوبی برخوردار بودند به همین علت سنت وقف در میان این اقشار از جایگاه مهم‌تری برخوردار بود. برخی زنان نیز در جهت کمک به رفاه و آسایش مردم به این‌گونه اقدامات مبادرت می‌کردند به همین منظور روی هریک از اوقاف نیز لعنت‌نامه‌ای وجود داشت برای کسانی که به موجودی اوقاف دست درازی می‌کردند ولی گاهی زنان از طریق وقف در جستجوی تضمینی برای جلوگیری از مصادره اموالشان توسط دولت و قوانین حاکم بر ارث بودند. این اقدام مذهبی می-

توانست جایگاه مهمی را نیز در امور سیاسی و سرمایه‌گذاری از آن رها کند. (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴: ۹۴) شاردن گزارش می‌دهد: «آنها نخست کاروان‌سرای را بنا و وقف سکونت رایگان و ابن‌السبیل می‌کردند، سپس گرمابه قهوه‌خانه، بازار و باغ بزرگی پدید می‌آوردند و آنها را با اجاره وا می‌گذاشتند و بعداً مدرسه‌ای بنا می‌کردند و مال‌الاجاره ابنیه مذکور را وقف آن می‌کردند. (۱۳۴۵: ۵/ ۴۵) «حوایب‌گم» دختر شاه‌عباس اول صفوی کاروانسرای بزرگی در اصفهان بنا کرد که به نام خود وی شهرت داشت. او طبع شعر داشت و حشمتی خوانساری شاعر خوشنویس استاد او بود. (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۵۰) زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای عام‌المنفعه از مردان دست و دل بازتر بودند به طوری که بسیاری از کاروانسراها و ساختمان‌های عام‌المنفعه از صدقات زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند ساخته می‌شد. (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۲۷) توجه به اوقاف و امور خیریه در این دوران به حدی بود که گاهی یک زن سعی می‌کرد حتی اگر شده با وقف یک کتیبه در امور خیریه شرکت کند. بانویی بود به نام «مشاهیر» که تنها اثر برجای مانده از وی کتیبه‌ای است در صحن امامزاده اسماعیل واقع در خیابان هاتف اصفهان، که مربوط به سال ۱۰۴۹ق، است. (ریاحی، ۱۳۸۵: ۲۲۸)

سنت وقف به جز پایتخت صفوی در دیگر شهرها از جمله شهر اردبیل، قم، ورامین و قزوین نیز رواج داشت. «بنفشه خاتون یکی از زنان سلطان حیدر، پدر شاه‌اسماعیل چند روستا از توابع تبریز را وقف آرامگاه اردبیل کرد. همچنین فخرجهان خاتون خواهر شاه‌اسماعیل یک قطعه از مراتع خود را وقف کرد». (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴: ۹۲) «از آثار و خیرات تاجلویبگم خواهر شاه‌طهماسب اول قریه حسن‌آباد ابوالعزآباد ورامین ری است که بر مدینه مشرفه علی راقدها الف الف صلوه و تحیه وقف فرموده و محصول او از آن تاریخ یومنا به سادات مستحقین می‌رسد». (قمی، ۱۳۵۹: ۲۹۰) از دیگر آثار و خیرات تاجلویبگم «دیگر عمارت گنبد عالی است که موسوم است به جنت‌سرا که در جنب قبه مقدسه متبرکه صفیه صفویه، صفت بالا نورالقدسیه در دارالارشاد جهت مدفن پادشاه جلیل سمی قره‌العین الخلیل ساخته شده و پنجره‌ای جهت ضریح آن حضرت زینت داده که مثل آن چشم روزگار ندیده اما توفیق اتمام آن و نقل جسد شریف آن اعلیحضرت را بدان مکان نیافت». (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۵۶؛ قمی، ۱۳۵۹: ۳۰۰)

زنان خیر صفوی غیر از بنای آرامگاه‌ها در سایر امور نیز دخیل بودند. به طوری که مسجد ایلچی در محله احمدآباد اصفهان در دوره سلطان سلیمان صفوی به وسیله زنی به نام «صاحب سلطان بیگم» ساخته شد. بر سر در مسجد در قسمت فوقانی محراب نام این بانو نگاشته شده است. (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۷۳) «از آثار و خیرات تاجلویبگم عمارت رضیه روضه مقدسه مطهره سمیه سیده‌النساء فی‌العالمین معصومه است که معماران همت آن علیاحضرت در خطه قم به اتمام رسانیده‌اند و قریب به هزار تومان املاک نفیس وقف آن مزار موهب آثار فرموده‌اند و آن نیز خیریه است جاریه» (همان: ۱۵۸) در سال ۱۰۵۶ق، به وسیله «دلارام خانم» همسر شاه‌عباس اول، جده بزرگ شاه-عباس ثانی به منظور ترویج علوم دینی در اصفهان مدرسه‌ای به نام «جده کوچک» ساخته شد (هنرفر، ۱۳۴۴: ۵۵۳) و هنوز پابرجاست و مورد استفاده طلاب است که در بازار قهوه کاشی‌ها واقع در بازار بزرگ اصفهان قرار دارد. اتاق‌های طلبه‌نشین آن در اطراف دو حیاط ساخته شده است و در ضلع جنوبی حیاط دوم در یکی از غرفه‌ها

کتیبه‌ای مرمر به طول ۹۵ سانتیمتر و عرض ۷۰ سانتیمتر نصب شده است و در این کتیبه نام واقف به صراحت ذکر شده است. از این وقف‌نامه دو سواد به شماره ثبتی ۱۰۶ در بایگانی اداره کل اوقاف اصفهان موجود است که یکی بر روی کاغذ سفید مایل به زرد و دیگری بر روی کاغذ آبی نوشته شده است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۵۳) شاهدان اصلی این وقف‌نامه شاه‌عباس ثانی، خلیفه سلطان و سید ماجد قاضی هستند. (نصرآبادی، بی تا: ۱۵) به سال ۱۰۵۷ق، «حوری خانم» جده شاه‌عباس ثانی، که به احتمال قریب به یقین همسر گرجی صفی‌میرزا و مادر سام‌میرزا بوده است، دستور ساخت مدرسه‌ای به نام «جده بزرگ» را صادر می‌کند که وقف آن با شماره ثبتی ۱۰۳ در بایگانی اداره کل اوقاف اصفهان نگهداری می‌شود. (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۲۷۸) این مدرسه نیز همانند مدرسه (جده کوچک) هنوز پابرجاست و مورد استفاده طلاب است و مدرسه مادر سلطان حسین معروف به مدرسه چهارباغ، آخرین بنای بزرگ صفوی است. (مورگان، ۱۳۷۳: ۲۰۴) «گوهرشاه بیگم» دختر میرزا محمداسماعیل در سال ۱۰۷۱ق، املاکی را پس از کسر حق‌التولیه و خرج مایحتاج و مخارج اصل موقوفه بر «عقبه علیّه و روضیه مقدسه امیرالمؤمنان» و همچنین «بر آستان متبرکه شافع یوم محشر و نوردیده حیدر مقتول به سیف جفا...» وقف کرده است تا نیمی از آن را «صرف زایرین و مجاورین آستانه شاه ولایت» و نیمه دیگر را صرف زایرین و مجاورین کربلای معلی نماید. (نوایی، ۱۳۶۰: ۲۴۴)

در سال ۱۰۵۷ق، خانمی به نام «خیرالنساء» دختر میرزا محمد مهدی الحسینی مقداری از املاک و دارایی خود را به دختر خویش «بدرجهان خانم» وقف کرده ولی پس از فوت خود خواسته است «بعد از وضع اخراجات و عمارات و عوارضات اوقاف مذکوره یک نصف یک سُبُع حاصل و منافع حصص مزبوره موقوفه را در لیالی جمعه به فقرا و صلحاء دهند». (ریاحی، ۱۳۵۷: ۲۲۸) در سال ۱۰۸۳ق، خانمی از اندرون شاهی که لقب «دره خاتون» داشته املاکی را بر دختر خود به نام «رضیه بانو خانم» و در صورت انقباض اولاد او چه دختر و چه پسر بر مستحقین شیعه وقف می‌نماید. در متن وقف‌نامه آمده است که این بانو «نواب کام یاب جنت مکان» است. (مهدوی، ۱۳۷۱: ۷۲)

در سال ۱۰۹۰ق، بانویی به نام «مرورید خانم» املاک و مستغلاتی را بر اماکن متبرکه وقف عام نمود تا در آنجا صرف روشنایی و بوی خوش شود. اسامی شاهدان این وقف‌نامه گویای آن است که واقفه به طبقات متوسط جامعه تعلق داشته است. (مهدوی، ۱۳۷۱: ۸۲) «زینب بیگم» دختر امیر محمد اردستانی مشهور به شیخ‌الاسلام واقفه دیگری است که در سال ۱۱۰۳ق، املاکی را وقف عام نموده که در آنها پس از کسر مایحتاج و مخارج موقوفه واریز کسر حق‌التولیه به «ارباب استحقاق از قرار روزی دو تومان» تقسیم شود. (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۶۰۷؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۴۵) «راجیه بیگم» دختر شاه سلطان حسین صفوی و همسر نادر شاه در سال ۱۱۳۵ق، بیست هزار نادر صرف تعمیر آرامگاه امام حسین نمود. (باستانی پاریزی، ۱۳۵۱: ۲۴) فیگوئروا می‌گوید: «در چهار فرسنگی قزوین به کاروانسرای بزرگ وارد شدیم که در طول سفر خود دیده بودیم و به نفقه مادر شاه‌عباس که متولد مازندران است ساخته شده بود». (سلطان خانم که حرم محترم شاه جنت مکان [شاه طهماسب] و والده معظمه خواب سکندرشان و اسمعیل میرزا بود از آثارش رباط خشک‌رود حوالی قزوین است که در زمان سلطنت فرزندش سلطان محمد پادشاه بنا نموده به اتمام آن موفق گردیده است». (ترکمان، ۱۳۵۰: ۴۹۰)

در مسجد جامع قدیم اصفهان، کتابه‌های حکیم پسند و حواشی خارج ایوان را نواب عالیه مهدعلیا سلطان آغا دختر نیک‌اختر شاه‌طهماسب بزرگ زینت داده و از کتابه‌هایش معلوم است. (آصف، ۱۳۷۵: ۱۶۹) شاردن از کاروانسرای بین راه سگرآباد به ساوه نام می‌برد که از آثار مهم زینت‌بیگم بوده است. «ما در کاروانسرای به نام کیخسرو که یکی از عمارات عالیه و ابنیه جاویدان ایران است رحل اقامت افکنندیم این بناهای عالی از آثار خیریه ملکه شاه-عباس کبیر است. بانوی بانوان ایران برای حفاظت این کاروانسرای بزرگ و تدارک آن برای عابرین موقوفه‌ای نیز تعیین کرده است که هزار لییره فرانسوی عایدی آن است و برای مخارج چهارصد نفر خدمتکار دایم کاروانسرا تخصیص داده شده است.» (۱۳۴۵: ۵۰) به نظر می‌رسد که این بانو را شاردن به اشتباه ملکه شاه‌عباس می‌خواند و این اشتباه از آن‌جا ناشی شده است که او را بانوی حرم‌خانه شاهی نوشته‌اند. او در زمان شاه‌عباس مشاور و ندیم وی شد و گذشته از اداره حرمسرا شاه را در امور کشوری راهنمایی می‌کرد. (محللاتی، ۱۳۴۹: ۲۲۰) سفیر اسپانیا در سفرنامه‌اش کاروانسرای را توصیف می‌کند که از نفقه مادر شاه‌عباس اول «خیرالنساء بیگم» ساخته شده بود. او معتقد بود که این کاروانسرا بزرگترین منزلگاهی بوده که دیده است. (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۷۵)

یکی از اصلی‌ترین زنان واقف عصر صفوی «زینب‌بیگم» بود، چهارمین دختر شاه‌طهماسب اول صفوی و مقتدرترین زن خاندان دربار او بود. (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۲۰؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۰۳) این بانو بناها، پل‌ها و کاروانسراهای متعددی به یادگار گذاشت و در آن زمان نزدیک به صد هزار تومان در این راه خرج کرد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۰۳) از آن جمله کاروانسرای در راه قزوین به ساوه ساخت که به کاروانسرای بیگم معروف بود. (فلسفی، ۱۳۵۳: ۲ / ۲۰۷) این بانو به شدت مراقب تمام ملزومات زندگی در این کاروانسرا بود. اسکندر بیگ ترکمان نیز او را زنی خیر و بلندنظر در طول حیاتش معرفی می‌کند و در عالم‌آرا می‌نویسد: «بازار امیرچخماق یزد را وقف مزار خویش نمود.» (۱۳۵۰: ۱ / ۱۳۵۰) بنا به نوشته تاریخ یزد «کاروانسرای عالی امیرچخماق ... در هیچ دیار مثل آن نیست.» (کاتب، ۱۳۴۵: ۶۴) زینب‌بیگم علاوه بر ساخت کاروانسرا مدرسه‌ای نیز به نام خود در نزدیکی محله چرخاب و چهارسر بنا نموده که پس از ویرانی آن با صلاح‌دید علمای مذهبی از مصالح آن در بنای ساخت مسجد رحیم‌خان استفاده کردند. (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۲۶۷) علاوه بر آن حمام سه سوق نیز در اصفهان به وسیله این بانو وقف شده است. (مولوی، ۲۵۳۵: ۷۲۲) قبر وی در مشهد است، وی زنی خیر و بلندنظر بود و راه‌ها و پل‌های زیاد ساخت. (نوابی، ۱۳۵۰: ۱۶)

از دیگر زنان واقف صفوی می‌توان به «مریم‌بیگم» اشاره کرد، او دختر شاه‌صفی و خواهر شاه‌عباس دوم و عمه شاه‌سلیمان صفوی بود. او از آخرین بانوان قدرتمند عصر صفوی به‌شمار می‌رود که نقش‌های سیاسی او قابل توجه است. (لکه‌هاری، ۱۳۶۴: ۴۱) در وقف‌نامه این مدرسه تاکید شده بود که طلاب مدرسه باید همیشه مشغول تحصیل و کسب علوم دینی و فقه باشند و شب و روز در حجره خود به مباحثه و مطالعه مشغول باشند و اگر یک سال بر فردی بگذرد و در حال او ترقی در علم دیده نشود باید از مدرسه اخراج شود. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۲۹۹؛ باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۷۵) از مدارس مهم عصر صفوی در اصفهان مدرسه «مریم‌بیگم» معروف بود که مساحتش تقریباً چهار جریب و موقوفه بسیاری برای طلاب و لوازم آن معین نموده بود، تا جایی که در تبریز و بسطام موقوفه داشت.

(فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۶۸) جابری انصاری در تاریخ اصفهان می‌گوید این بانو از دانشمندان عصر صفویه است. (۱۳۴۹: ۳۰۳/۵)

به جز موارد ذکر شده، زنان واقف دیگر نیز در این عصر در امور عام‌المنفعه شرکت داشتند ولی با وجود نقش بسیار پر رنگ زنان در این امور در عصر صفوی به‌طور قاطع نمی‌توان نسبت موقوفات زنان را بر مردان مشخص کرد. زیرا حتی مردان واقف نیز برای اقدامات عام‌المنفعه اجتماعی بیشتر از اشخاص بلندپایه سیاسی و عمدتاً اعضای خاندان سلطنتی و نظامی بودند و مهم‌ترین وقفیات را برای نیل به اهداف عمومی اختصاص می‌دادند. (عمادزاده، ۱۳۸۶: ۲) اگرچه سیاح اسپانیایی، فیگوئروا معتقد است زنان در امور عام‌المنفعه دست و دل بازتر از مردان بودند. (۱۳۶۳: ۱۲۷۱)

نتیجه‌گیری

روی کارآمدن سلسله صفوی و اعلام تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور این سلسله را در جایگاه خاصی از تاریخ ایران قرار داد و با توجه به اهمیت این عصر جای شگفتی نیست که این روزگار از نظر اقتصادی و بازرگانی نیز بسیار غنی باشد و نقش زنان را در این عرصه مهم نمی‌توان نادیده گرفت. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت این دوران در سه شکل زندگی کشاورزی، دامپروری و شهرنشینی به خوبی در نقش‌های اقتصادی در حد توان اثرگذار بودند. اوج اقتدار اقتصادی این عصر را می‌توان در دوران حکومت شاه‌عباس اول دانست. او به خوبی درک کرده بود که بدون حمایت اقتصادی مجال نخواهد داشت، تا با آسودگی به فعالیت‌های درآمدزا در راه پرورش ساختار فرهنگی و سیاسی پردازد و به اهداف مهم خود دست یابد. به نظر می‌رسد: بخش قابل توجهی از رونق ساختار اقتصادی این عصر با ساختار اوقاف و درآمدهای ناشی از آن پیوند نزدیک دارد زیرا این دوره، دوره شکوفایی موقوفات است و صفویان از درآمد حاصل از موقوفات شهرهای مهم و مذهبی به خوبی در ساختار نهاد اقتصادی خود بهره‌برداری می‌کنند.

در عصر صفوی تحولات ساختار وقف بر سایر جنبه‌های حکومتی تأثیرگذار بوده و موقوفات در این بخش اقتصادی بیشترین حضور را داشت. در این دوره یکی از آثار دخالت زنان در اجتماع مشارکت عمیق آنها در امور خیریه است. آنچه مسلم است زنان درباری و متمول عصر صفوی به این عمل علاقه و رغبت بیشتری را نشان می‌دادند این گروه به‌دلیل استقلال مالی و دارایی‌های خود به ایجاد بناهای عام‌المنفعه علاقمندی نشان می‌دادند و در سازندگی و آبادانی مفید واقع می‌شدند و یا از خود مدرسه، پل، کاروانسرا و قنات به صورت وقف برجای می‌گذاشتند. و وقفیات آنها باعث تداوم کار و رونق این اماکن بعد از مرگشان می‌شد. این موقوفات بیشتر در شهرهای معروف آن زمان مانند اصفهان، تبریز، اردبیل، قم، قزوین و حتی گاهی خارج از ایران در اماکن مقدسه صورت می‌گرفت.

منابع و مأخذ

۱. ابن بطوطه، ۱۳۶۷، سفرنامه بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، آگاه.
۲. الاسلام، ریاض، ۱۳۷۳، تاریخ روابط ایران و هند دوره صفوی و افشاری، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران، امیرکبیر.
۳. آصف، محمدهاشم، ۲۵۳۷، رستم‌التواریخ، به تصحیح محمد مشیری، تهران، کتاب‌های جیبی.
۴. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۵۱، از پاریز تا پاریس، تهران، امیرکبیر.
۵. -----، ۱۳۶۲، ضعیفه، تهران، قصیده سرا.
۶. ترکمان، اسکندریک، ۱۳۵۰، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران و اصفهان، امیرکبیر و نوید.
۷. جابری انصاری، میرزا حسن‌خان، ۱۳۲۱، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، اصفهان، حسین عمادزاده.
۸. دلاواله، پیتر، ۱۳۸۰، سفرنامه دلاواله، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، قطره.
۹. راوندی، مرتضی، ۱۳۵۴، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴، تهران، امیرکبیر.
۱۰. رجبی، محمدحسن، ۱۳۷۴، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه. تهران، سروش.
۱۱. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، ۱۳۵۲، آثار ملی اصفهان، تهران، انجمن آثار ملی.
۱۲. ریاحی، محمدحسین، ۱۳۷۵، مشاهیر زنان اصفهان، اصفهان، اداره کل ارشاد اسلامی.
۱۳. زرین‌بافت شهر، فریبا، ۱۳۸۴، «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل»، ترجمه محمد مروار، نامه تاریخ پژوهان، سال اول، شماره ۳.
۱۴. سپنتا، عبدالحسین، ۱۳۴۶، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان، اداره اوقاف اصفهان.
۱۵. سلطان‌زاده، حسن، ۱۳۶۴، تاریخ مدارس ایران، تهران، آگاه.
۱۶. سلیمی‌فر، مصطفی، ۱۳۷۰، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۷. سمیعی‌نسب، مصطفی، ۱۳۸۷، بررسی جایگاه نهاد وقف. تهران، اسوه.
۱۸. سیوری، راجر، ۱۳۷۲، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
۱۹. شاردن، ژان، ۱۳۴۵، سیاحتنامه، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر.
۲۰. -----، ۱۳۷۲، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
۲۱. صفت‌گل، منصور، ۱۳۸۱، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویان، تهران، رسا.
۲۲. طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۴۹، تاریخ سیاسی اجتماعی ایران تهران، کتاب‌های جیبی، فرانکلین.
۲۳. طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه المرتضویه.
۲۴. عبدالستار عثمانی، محمد، ۱۳۷۶، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران، امیرکبیر.
۲۵. عمادزاده، گیتی، ۱۳۸۶، «وقف و سیاست ملی در دوره صفوی»، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷.

۲۶. عمید، حسن، ۱۳۶۲، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
۲۷. فلسفی، نصرالله، ۱۳۵۳، *زندگی شاه عباس اول*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۸. فوران، جان، ۱۳۸۶، «*صفویه آخرین حضور ایران در مدار اقتصاد جهانی*»، روزنامه تهران امروز، سوم دی-ماه.
۲۹. فیگوئروا، دن گارسیا، ۱۳۶۳، *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
۳۰. قدیانی، عباس، ۱۳۷۶، *فرهنگ فشرده تاریخ ایران*، تهران، جاویدان فرد.
۳۱. قمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسینی، ۱۳۵۹، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
۳۲. کاتب یزدی، احمد بن حسین، ۱۳۴۵، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین.
۳۳. لکه‌پارت، لارنس، ۱۳۶۴، *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانان بر ایران*، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران، مروارید.
۳۴. لمبتون، آن، ۱۳۶۲، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۵. ماوردی، ابوالحسن، ۱۳۶۵، *احکام السلطانیه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۶. محقق حلی، محمد بن حسن، ۱۴۰۸ق، *شرایع الاسلام فی الحلال و الحرام*، قم، اسماعیلیان.
۳۷. محلاتی، ذبیح‌الله، ۱۳۴۹، *ریاحین الشریعه: در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه*، تهران، اسلامیه.
۳۸. معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
۳۹. مورگان، دیوید، ۱۳۷۳، *ایران در قرون وسطی*، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
۴۰. مولوی، عبدالحمید، ۲۵۳۵، «برکت»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره چهارم، سال دوازدهم.
۴۱. مهدوی، مصلح‌الدین، ۱۳۷۲، *خاندان شیخ‌الاسلام*، اصفهان، گلبهار.
۴۲. میراحمدی، مریم، ۱۳۷۱، «*پژوهشی در موقوفات عصر صفوی*»، مشهد، آستان قدس رضوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵.
۴۳. نصرآبادی، محمدطاهر، ۱۳۱۷، *تذکره نصرآبادی*، بی‌جا، چاپ وحید دستگردی.
۴۴. نوایی، عبدالحسین، ۱۳۵۰، *شاه‌تھماسب صفوی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۴۵. -----، ۱۳۶۰، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۴۶. واله اصفهانی، محمدیوسف، ۱۳۷۲، *خلد برین*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات ایرج افشار.
۴۷. هنرفر، لطف‌الله، ۱۳۴۴، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان، ثقفی.

48. Lambton, A.K.S, 1988, *Continuity and changes in medieval Persia*, New York, Bibliotheca Persica.

49. -----, 1969, *Landlord and-peasant in Persia*, London, University of London.

The importance of consecration among women in Safaviyya era (907-1135 Hijrah)

Abstract:

One of the areas in which women had and still have the most important role is the consecration. It is regarded as a social organization. Consecration has undergone various changes showing how dire was the social situations, lack of stability and economic safety. As a result, the authorities decided to safeguard their properties by consecrating them. Due to the contemporary tradition, no one could have any claims over the consecrated properties. One those eras was Safavviya time through which consecration become more widespread. At that time, many mosques, bridges and many caravanserais and a lot of endowments were given to each. A spiritual contest seemed to be entered in by many and women were not an exception. In this area women's role was also significant and meaty representing an active role for them especially during Safavviya era until now. The amount of the documents showing and proving consecration by women reveals that they had enough freedom to enter in such economic activities. They also showed great interest in charities and spiritual outcomes of such deeds.

Keywords: Safavviya Era, Consecration, Charities, Women, Economy